گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۹۵۰۴۷
یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۳ ۲۲:۵۲

یادداشتی از مهدی بیرانوند روژمان:

بدرودآلن، آقای خاص سینمای فرانسه

مهدی بیرانوند روژمان - ماه اوت به نیمه رسید و خبری تلخ را برای دوستداران سینما و دنیای فیلم باخود آورد. عاشقان سینمای فرانسه و فیلم های پلیسی و اکشنی که با فضای مافیای و هراس انگیز درآمیخته در ۱۸ اوت با خبر اسطوره سینمای فرانسه " آلن دلون " روبرو شدند. بازیگری که در ایران با صدای خاص خسرو خسروشاهی شناخته شده و دوستداران سینما را با آن تیپیکال خاص خود مجذوب دنیای تصویر می کرد. حالا دیگر سینمای فرانسه رنگی ندارد.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، ماه اوت به نیمه رسید و خبری تلخ را برای دوستداران سینما و دنیای فیلم باخود آورد. عاشقان سینمای فرانسه و فیلم های پلیسی و اکشنی که با فضای مافیای و هراس انگیز درآمیخته در ۱۸ اوت با خبر اسطوره سینمای فرانسه " آلن دلون " روبرو شدند. بازیگری که در ایران با صدای خاص خسرو خسروشاهی شناخته شده و دوستداران سینما را با آن تیپیکال خاص خود مجذوب دنیای تصویر می کرد. حالا دیگر سینمای فرانسه رنگی ندارد.

آلن دلون یکی از شناخته شده ترین چهره های سینمای فرانسه است، بازیگری که در طول بیش از نیم قرن فعالیت هنری با بسیاری از برجسته ترین کارگردانان جهان کار کرده و میراثی قابل توجه و ماندگار از خود در عرصه بازیگری به جای گذاشته است.

موفقیت قابل توجه دلون در عرصه بازیگری و تجارت در تضاد کامل با گذشته متفاوت او قرار دارد. آلن دلون در ۸ نوامبر ۱۹۳۵ در روستای سو (Sceaux) در جنوب پاریس، فرانسه به دنیا آمد. پدرش مدیر یک سینمای محلی کوچک و مادرش نیز در یک داروخانه کار می کرد.

آلن ۴ ساله بود که پدر و مادرش از هم جدا شده و او به خانواده ای دیگر سپرده شد. او در خانه ای که در کنار یک زندان قرار داشت بزرگ شده و پدر خوانده اش نگهبان همین زندان بود.

دلُون در سال ۱۹۸۵ جایزه سزار بهترین بازیگر مرد را برای بازی در فیلم داستان ما (۱۹۸۴) دریافت کرد. او در سال ۱۹۹۱ نشان لژیون دونور فرانسه را دریافت کرد. او در چهل‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین برنده خرس طلایی افتخاری شد. همچنین در جشنواره فیلم کن ۲۰۱۹ جایزهٔ نخل طلای افتخاری را دریافت کرد. آلَن در ۱۹۵۶ از خدمت در ارتش ترخیص شد و به‌عنوان باربر و سپس به‌عنوان پیش‌خدمت در کافه‌های مختلف پاریس به کار پرداخت و بین روسپی‌ها و گانگسترها زندگی می‌کرد. او درآمد ثابتی نداشت و مستقل از خانواده زندگی می‌کرد. طی همین مدت، با بسیاری از بازیگران که در کافه‌های محل کارش رفت‌وآمد داشتند آشنا شد. یکی از آن بازیگران، ژان-کلود بریالی بود. کسانی که درباره زندگی او تحقیق کرده‌اند می‌گویند که او با دنیای زیرزمینی جنایتکاران در ارتباط بوده و مدتی هم با آنها زندگی می‌کرد. این دو دوست، یعنی دلُون و بریالی در سال ۱۹۵۷ تصمیم گرفتند با هم به جشنوارهٔ فیلم کن بروند. این تصمیم، زندگی آلَن را برای همیشه تغییر داد. آلَن که یک آدم معمولی بود و هیچ‌گونه تجربه بازیگری نداشت و آن شب هم با یک دست لباس کرایه‌ای به جشنواره رفته بود پس از بازگشت از جشنواره به یک فوق‌ستاره تبدیل شد. چهره فوق‌العاده جذاب او در آن مجلس کاملاً سرآمد همگان بود و در آنجا بود که کارگردانان مختلف به سراغ او آمدند و بیشتر در نقش دزد یا آدمکش اجیرشده بازی می‌کرد.

دلُون در دهه ۱۹۶۰ ستاره سینمای اروپا بود. او در دهه ۱۹۷۰ علاوه بر بازی در فیلم، دومین شرکت تولید فیلم خود را تأسیس کرد و به جمع‌آوری ثروت پرداخت. او در آن هنگام یکی از ثروتمندان جهان بود و فیلم‌هایی با نشان‌واره AD تهیه می‌کرد. او سپس یک شرکت هواپیمایی راه‌اندازی کرد و بخشی از ثروت خود را در زمینه موردعلاقه خود یعنی جمع‌آوری آثار هنری و پرورش اسب‌های مسابقه، سرمایه‌گذاری کرد. گنجینه شخصی او کم‌نظیر است. او صاحب عتیقه‌هایی است که بسیاری از آن‌ها در موزه‌ها به نمایش گذاشته شده‌اند. او در دهه ۱۹۸۰ به سوئیس نقل مکان کرد تا بر عملکرد شرکتی که محصولاتش را به نام «آلَن دلُون» به فروش می‌رساند نظارت بهتری داشته باشد. دفتر این شرکت در شهر ژنو است.

کناره‌گیری و بازنشستگی

آلَن در سال ۱۹۹۸ در فیلم نیمه شانس در کنار ژان-پل بلموندو بازی کرد و سپس اعلام بازنشستگی کرد و گفت: «من در بیشتر فیلم‌هایی که بازی کرده‌ام یا دزد بوده‌ام یا پلیس، اما جالب این است که فرقی نمی‌کرده است که چه‌کاره بوده‌ام؛ در همهٔ فیلم‌ها تنها بوده‌ام. نمی‌دانم، اما فکر می‌کنم کارگردان‌ها و حتی تماشاگران همیشه دوست دارند مرا تنها ببینند».

افسانه دلون

در دهه ۱۹۸۰، دلون به کارگردانی فیلم های خودش روی آورد و دو فیلم پلیسی با حضور خود در نقش اصلی ساخت: «برای پنهان کردن یک پلیس» (Pour la peau d’un flic) در سال ۱۹۸۱ و «Le Battant» در سال ۱۹۸۳. در سال های پس از آن بسیاری از فیلم های دلون با شکست مواجه شدند از جمله بازی او در کنار لوران باکال در فیلم «روز و شب» (Le Jour et la Nuit) به کارگردانی برنارد-هنری لوی، فیلسوف مشهور، که شکست سختی در گیشه خورد.

بعد از شکست غیرمنتظره «نیمه شانس» (Une chance sur deux) به کارگردانی پاتریس لاکونته، دلون تصمیم گرفت که شکست را بپذیرد و تصمیم

خود برای کناره گیری از بازیگری را اعلام کرد اگر چه از آن پس حضورهایی بسیار کوتاه در چندین فیلم داشت.

دلون در سال ۲۰۰۲ با حضور در سریال فرانسوی پرطرفدار «فابیو مونتاله» (Fabio Montale) بازگشتی حیرت انگیز داشت و در دو سال آینده موفقیت مشابهی را با سریال پلیسی «فرانک ریوا» (Frank Riva) تجربه کرد.

در سال ۲۰۰۵، نشان شوالیه (لژیون دونور) توسط ژاک شیراک، رییس جمهور وقت فرانسه، به دلون داده شد.

آلن دلون در کمدی «آستریکس در مسابقات المپیک» (Astérix aux Jeux Olympiques) در سال ۲۰۰۸ و در نقش جولیوس سزار به سینمای فرانسه بازگشت که اگر چه مورد انتقاد صاحبنظران قرار گرفت با استقبال تماشاگران مواجه گردید.